

گفت‌وگوی «جوان» با یک روانشناس درباره امید و انتظار

منتظر واقعی مردمی و تلاشگر است

نصرالله منصوری: در کنار مردم بودن و تلاش کردن، ویژگی انتظار برای دیدار امام زمان (عج) است

در آستانه نیمه شعبان و در حالی که طی یکسال گذشته بشریت انواع مختلف سیووعیت نژاد انسان را به چشمش خود دیده، دل‌ها بیش از گذشته منتظر و امیدوار به ظهور قائم آل محمد است؛ در این شرایط «جوان»، در گفت و گو با نصرالله منصوری روانشناس نگاهی روانشناسته به مسئله انتظار و امید به ظهور حضرت حجت از نظر فردی و اجتماعی داشته است.

■ ■ ■

در جامعه ایرانی و شیعی نسل اندر نسل افراد امیدوار هستند که فردی می‌آید که قرار است منجی بشریت باشد؛ این امید به ظهور منجی چطور می‌تواند طی این قرن‌ها در افراد ادامه پیدا کند؟

(و می‌خواهیم بر آنان که در زمین به استضعاف کشیده شده‌اند، منت نهیم، و آنان را پیشوا سازیم و آنان را وارث زمین گردانیم،) «به ۵ سوره قصص» بحث انتظار در مورد شخصیت آسمانی امام زمان در دوره اقبال از پیامبر مانیز بوده‌است، منتها تحت عنوان منجی، نجات‌دهنده، فریادرس، پشتیبان و عناوینی اینچنینی گفته شده‌است. هر چه جلوتر آمدیم در افرادی که زندگی‌ها، افکار و خودشان در سلامت الان هم می‌پذیرند. آنهایی که مقداری خدشه‌وارد می‌کنند و ان قلت می‌آورند، عقاید و باورهایشان به هم ریخته است حالا این به‌هم ریختگی می‌تواند به دلیل گر فترتی به یک ظلم عجیب و غریبی باشد. در اینجا بد نیست به این مطلب اشاره کنم که مدت‌ها قبل هیئت حاکمه رژیم صهیونیستی نشسته در خلوت خود گفته بودند این شیعیان هر چند در طول تاریخ خیلی از افراد آنها کشته (شهید) شدند و خیلی آزار و اذیت دیدند، ولی همچنان در دنیا حرف اول و آخر را می‌زنند به همین دلیل یک هیئت علمی و اطلاعاتی را آماده می‌کنیم تا در کشورهای اسلامی و غیراسلامی بررسی کنند که چرا اینگونه هستند. این هیئت پس از بررسی‌ها گفتند اولین مسئله‌ای که جماعت شیعه را ایستناگه داشته خود مسئله بعثت، باور به آمدن پیامبر و خود شخصیت پیامبر است؛ بخش دومی که گفتند در باور شیعیان پیدا کردیم که خیلی قوی‌تر از بعثت بود مسئله غدیر و جانشینی حضرت علی (ع) است و بعد از غدیر می‌روند سراغ نهضت ابعادالله و آن ایثار و تحول در عالم و اتفاقاتی که همچنان مستدام است و این را هم که تمام می‌کنند، می‌گویند ماندگاری بعثت، غدیر و عاشورا وابسته مسئله مهدیت است؛ یعنی شیعیان می‌گویند اگر در غدیر خوب عمل نکردیم و در عاشورا نبودیم، کاری کنیم ما صاحب امام زمان داریم، ولی الله اعظم هستند و الان غیر مستقیم و بعداً که ظهور کنند به شکل مستقیم به ما یاری خواهند رساند و به ما لطف و مرحمت خواهند کرد. بنابراین ماندگاری این باور در شیعیان به این دلیل است که کسی که لقمه پاک می‌خورد، خروجی تربیت، رفتار و آمد و شد آن، میل به امام زمان می‌شود.



محمد حسین عبدالهی امیران

در کنار همین مواردی که در خصوص مسئله انتظار و امید در تاریخ فرمودید یک عده شباه هم همیشه بوده‌اند که خود را به عنوان امید کاذب به افسراد قالب کر ده‌اند، چطور مردم توانسته‌اند خود را از این شباهان نجات دهند و آنها موجب نشدند امید به ظهور منجی در افراد از بین برود؟

اولاً در همان روز غدیر که پیامبر (ص) حضرت علی (ع) را معرفی کردند، پشت سرش به شکل مسلسل‌وار از امام علی تا امام زمان اسامی را آوردند، در حالی که اکثر این حضرات اصلا به دنیا نیامده بودند و آخرین شخصیت را هم احترام کر دند، ما سخنی منسوب به سه نفر از معصومان یعنی پیامبر، امام علی و امام صادق داریم که راجع به امام زمان فرمودند ای کاش ما در زمان مهدی بودیم و خدمتکار ایشان می‌شدیم، با اینکه این سه معصوم خودشان تأثیر گذار در عالم هستنی هستند، ولی این بزر گوار را از این جهت اینگونه معرفی می‌کنند تا گوشزد کنند و بگویند ببینید چه کسی خواهد آمد که حتی ما هم حاضر هستیم خدمتکار وی شویم، بنابراین تمام آنهایی که بر این باور مانده‌اند آنهایی هستند که دل، قلب و تمام

هستی‌شان به آلودگی‌ها گرفتار نشده‌است.

مطلب دیگر این است که مشیت و قدرت خداوند به این تعلق قرار گرفته که اگر تمام دنیا مخالف باشند و بخواهند جسارت کنند یا این بزر گوار را آزار و اذیت کنند، نگه داشته شوند. همین آیه که اول سخن قرائت کردم، در سوره قصص است، در این آیه خود خدا می‌گوید ما بر مستضعفین منت گذاشتیم تا یک روزی آنها را بر زمین حاکم کنیم، آن زمانی هم که گفته شده زمان با ارزش ظهور این بزر گوار و حکومت ایشان است. شما وضعیت

امروز غزه، مسوریه و دیگر جاها را می‌بینید، مردم دنیا کلا دارند به جایی می‌رسند که حتی غیر مسلمانان مانند مسیحی‌ها و یهودی‌ها و حتی کفار مانند بودایی‌ها متفقاً می‌گویند خدایا کسی را بفرست که ما را نجات دهد، ممکن است آن امید را نتوانند تفسیر کنند، ولی دنیا کسی هستند که دستشان را بگیرد، بنابراین این باور را خداوند نگه داشته و ایجاد کرده و در ما انسان‌ها هر چندر غل و غشمان کمتر باشد و آدم‌های متقلبی نباشیم، این باور برآیمان حسوری تر می‌شود.

نکته دیگر این است که خیلی‌ها از همین بزر گورای که نمی‌بینند به راحتی حاجت گرفتند، من دیده بودم مردم



آقای کافی در مهدیه خود غوغا می‌کرد، بیماری به نام بی‌بی نجم‌السادات یزدی را که انگلیس و آلمان جواب کرده بودند، پسرش با ویلچر آورد به جلسه ایشان و با پای خودش از جلسه رفت. یابن الحسن‌های آقای کافی انقلاب ایجاد می‌کرد، به شکلی که مرحوم آقای مرعشی نجفی وقتی آقای کافی را شناخت، به ایشان گفته بود آقا اجازه می‌دهی من مرید تو بشوم. مرحوم آقای کافی آخرین ماه رمضان قبل از شهادتش بالای منبر می‌گفتند مردم درب خانه اهل البیت بگویند خبری هست یا نه، بگویند آدماهم بگیرم و بروم.

پس باوروا دو بخش است؛ یکی نگه‌دارنده به نام خدا و بعد قلبه‌های می‌شیاوه و پیله که می‌پذیرد. بعد هم اینکه ما اصلاً کاری نداریم این اقا اصلاً اسمشان چیست ما دنبال یک حامی و حمایتگر می‌گردیم که ما را از این متجالب دنیای امروز نجات بدهد.

مسئله انتظار و امید به ظهور منجی چه تأثیری در افراد دارد و آیا این امید موجب نمی‌شود که فرد خیلی تلاشی نکند و بگوید کسی دیگر باید بیاید و مشکلات را حل کند؟

اصلاً در ادبیات دینی ما کاملاً مذموم است که من بخواهم

آموزش موبایلی هم خاموش شد

ناترازی انرژی، سوخت جدید بی عدالتی آموزشی!



را تقویت کنیم تا به محلی برای تربیت نیروی انسانی کارآمد تبدیل شود و آن وقت از همین دانش آموزان بهترین راهکارها و برنامه‌ها را دریافت کنیم. از طرفی وقتی گفته می‌شود که مهم‌ترین چالش در بحث ناترازی انرژی، مسئله فرهنگی است. باید با روش‌های مؤثر و کاربردی، موضوع بهینه مصرف کردن انرژی را در کودکان و نوجوانان این مرز و بوم یاد بدهیم. اما وقتی اهمیت آموزش و پرورش را آنگونه که باید کرد نکرده‌ایم، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که دانش آموز امروز که مدیر یا دولتمرد فردای کشور می‌شود، در این موارد مهم، ورود جدی داشته باشد.

سرخیز ادامه می‌دهد: «اخیراً کنفرانسی با موضوع هوش مصنوعی برگزار شده که در آن حدود ۱۰۰ کشور دنیا حضور داشتند. در حالی که دنیا از ابزارهای هوش مصنوعی در جهت پیشبرد هر چه بهتر کارهایش بهره می‌گیرد ما کمترین بهره را از آن در نظام آموزشی کشور نبرده‌ایم. دیگر کمتر کسی است که نداند در رفغ ایرادات شبکه شاد مانده‌ایم. اپلیکیشنی که ضریب نفوذش در بسیاری از نقاط پایین است و وقتی نوبت آموزش غیر حضوری می‌رسد به دلیل مراجعه بالای افراد با کندی و قطعی

مواجه می‌شود.»

او ادامه می‌دهد: «در عصری که همه به دنبال هوشمندسازی و به کارگیری هوش مصنوعی هستند، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی نتوانسته یک سیستم مناسبی را فراهم کند تا انعطاف داشته باشد و در نقاط مختلف مورد استفاده دانش آموزان و معلمان قرار بگیرد. اینکه به جای اعصاب خردی معلمان، آنها را تبدیل به افرادی خلاق و نوآور کند. هر چند در دوران کرونا ساخت شبکه شاد اتفاق خوبی بود، اما متأسفانه این شبکه تقویت نشد.»

قوانینی که اجرا نمی‌شود

در صورتی که می‌دانیم هر سال در فصل سرما با تعطیلی پی در پی مدارس مواجه می‌شویم، اما فکری برای حل مشکلات آموزش حضوری نکردیم. سرخیز در این رابطه می‌گوید: «قوانین مختلفی در خصوص آموزش مجازی به تصویب رسیده؛ از جمله مصوبه شورای عالی فضای مجازی در خصوص الزامات سامانه‌های الکترونیکی آموزش و پرورش و شبکه آموزشی دانش آموز (شاد)

امام زمان را می‌شناسند و نه این مسئله برای آنها مهم است، تفاوت این افراد با کسانی که امید به ظهور دارند در چیست؟

آنهایی که دنبال این فضا نیستند یا می‌گویند من اعتقاد ندارم یا تنبل هستم و مواردی از این دست، ولی باز هم زندگی خود را انجام می‌دهند، چون عدالت خداوند این است و بالاخره این همه در دنیا کافر داریم، ولی خدا روزی آنها را نیز می‌دهد. از سوی دیگر تبلیغات علیه دین و اشخاص دین از ابتدا بوده‌است. امیرالمؤمنین علی(ع) بالاخره خیلی اذیت شدند و حتی وقتی در محراب مسجد کوفه به شهادت رسیدند، دو عرب وقتی به هم رسیدند می‌گفتند مگر علی نماز می‌خوانده که در محراب مسجد کوفه به شهادت رسیده‌است؛ یعنی تبلیغات بنی‌امیه آنچنان از امیرالمؤمنین (ع) چهره ضد دین و اسلام معرفی کرده بود که خودشان قسم می‌خورند به خدا قسم از من مظلوم‌تر در عالم نیست. در کنار تبلیغات اما گشایش‌ها در میان جوانان و نوجوانان هم بوده کاملاً اینکه دیدیم که برنامه قرآنی محفل سال گذشته چقدر افراد را جمع کرد. چون قلب‌ها به دست خداوند است، زمانی که مقدمات ظهور این بزر گوار مهیا شود خیلی از مشکلات را نیز خداوند حل می‌کند. هر چند در کنار همه اینها الان برخی از کارها را افرادی به نفع این انجام می‌دهند که خود امام زمان در مورد آن فرمودند کذب القاتون، این کذب را الان خیلی‌ها گسترش می‌دهند، در صورتی که این کفر و گناه است آن هم در حالی که برخی از بزرگان می‌گویند اصل موضوع زمان ظهور را خداوند خود امام زمان نگفتند و البته اگر گفته باشند نیز ایشان امام معصوم هستند و می‌دانند چه کنند. کسی اگر بخواهد افراد را عاشق امام زمان کند باید با یک زبان ملایم و نرم و رفتار عالی این کار را انجام دهد. یکی از راه‌های دیدن امام زمان و خواستن ایشان خدمت به شیعیان است، چون ایشان شیعیان‌شان را خیلی دوست دارند هر خدمتی به شیعیان ایشان شود آقا به ما نزدیک‌تر می‌شوند.

در کنار همه اینها اساس این رفتن به سمت امام زمان لقمه حلال است، امام حسین (ع) روز عاشورا در غربتی که بودند از شیش تن ربعی، حجاره اسن ابجر و غیث بن اشعث پرسیدند مگر من خلال خدا را حرام کرده‌ام یا حرام خدا را خلال کرده‌ام! این لقمه هم من کسی از شما را کشته‌ام! هر چرامی خواهید خون من را بریزند، جواب دادند ما به خاطر بعضی که از بابایت علی داریم، می‌خواهیم شما را بکشیم. بعد حضرت پاسخ دادند شکم شما از لقمه حرام نباشسته شده؛ اقتضای این لقمه حرام و اینکه خیلی از شماها در کوفه با زن‌ها ارتباط نامشروع دارند. این است که می‌خواهید نوه پیغمبر را به قتل برسانید. لقمه و تربیت خیلی تأثیر دارد، اینکه انسان با چه کسی نشست و برخاست می‌کند، حتی قبل از اسلام هم مورد توجه بوده و گفته می‌شود مهنشین‌تان را به شکلی انتخاب کنید که دین و آبروی شما را از دستتان نگیرد.

و همچنین به منظور افزایش پایداری و تداوم خدمات‌رسانی «شاد» به عنوان بخشی از زیست‌بوم جدید تعلیم و تربیت رسمی عمومی کشور به وزارت آموزش و پرورش ابلاغ شد. در این مصوبه، این سیستم آموزشی به عنوان بخشی از زیست‌بوم جدید تعلیم و تربیت رسمی عمومی کشور اعلام شده و طبق این ماده قانونی، آموزش و پرورش موظف است آموزش تلفیقی را در خط مشی برنامه‌های آموزشی در طول سال تحصیلی قرار بدهد، اما این کار انجام نشده و می‌بینیم بلبشویی در نظام آموزشی کشور حاکم است که مانع از انجام این کار می‌شود. گمان می‌رود که ذی‌نفعان تولید کتب کمک درسی یا کمک آموزش اجازه تقویت آموزش رسمی را نمی‌دهند، چرا که منافعی‌شان به خطر می‌افتد.»

او ادامه می‌دهد: «برخی بدشان می‌آید که این حرف‌ها زده شود، اما واقعیت تلخی است که باید بگوئیم و حواسمان را بیشتر جمع کنیم. وقتی هنوز یکی از کتب درسی (با تغییرات انجام شده روی آن) چاپ نشده و به توزیع در سال تحصیلی جدید نرسیده، کتاب حل مسائل متناسب با همان تغییرات انجام شده چاپ و وارد بازار می‌شود، نفوذ مافیای تحصیلی را نشان می‌دهد. نفوذی که به ضرر دانش آموزان روستایی (که حدود ۳۰ درصد از جمعیت محصلان را تشکیل می‌دهند) تمام می‌شود و البته همه آنهایی که نمی‌توانند از کتب کمک درسی و کلاس‌های فوق برنامه استفاده کنند.»

■ **مافیای تحصیل فربه‌تر از همیشه**

بدون شک نمی‌توان مافیای تحصیلی را منکر شد. اما مافیا صرفاً در آموزش یا تنها در ایران نیست. در تمام دنیا، مافیا به اشکال مختلف در حال ارتزاق از جان و مال و آینده مردم است، اما اگر قرار بود با پذیرش حضور این مافیاسا کنار آمد، امروز تمام دنیا ذلیل این قشر زالوصفت می‌شد.

مافیای تحصیل غیرقابل انکار است، اما نباید از اهمال کاری در این زمینه غافل شد. برودت هوا و کمبود انرژی، زلزله نیز که ناگهانی رخ بدهد و یقه ما را بگیرد، سال‌هاست که جسته و گریخته با این داستان تکراری دست به گریبانیم، اما تنها راه‌حل‌مان تا به امروز، تعطیلی بود و بس. به طوری که شاید حتی باید به جان کرونا دعای خیر کنیم(!) که همین شبکه دست و پا شکسته آنلاین (شاد) را هم برآیمان راه انداخت، آموزش دست و پا شکسته‌ای که گویا قرار نیست تا سال‌های سال کسی برای ارتقا و پیشرفت آن گامی بردارد، وقتی هنوز ساده‌ترین راه را برمی‌گزینیم؛ تعطیلات! تعطیلاتی که چ‌رخه کشور، سازندگی و آینده‌سازان آن را تعطیل می‌کند.

متأسفانه آموزش کشور سال‌هاست به کارخانه نیمه تعطیلی تبدیل شده که می‌تواند در چند نوبت بازدهی داشته باشد، اما به شرط آنکه کسی به این مهم بیندیشد.